

به نام خدا

نگاهی به الفبای آموزش ابتدایی

مولفان :

مریم علاوی نژاد

زهرا کریمی

حدیث اخلاقی

بهار کلاه کج

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: علاوی نژاد، مریم، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به الفبای آموزش ابتدایی / مولفان مریم علاوی نژاد، زهرا
کریمی، حدیث اخلاقی، بهار کلاه کج.
مشخصات نشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۸۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۷۸۵-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۸۱ - ۷۹.
موضوع: آموزش ابتدایی
شناسه افزوده: کریمی، زهرا، ۱۳۶۷
شناسه افزوده: اخلاقی، حدیث، ۱۳۶۶
شناسه افزوده: کلاه کج، بهار، ۱۳۵۸
رده بندی کنگره: BF۷۴۵
رده بندی دیویی: ۱۵۷/۶
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۸۰۴۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: نگاهی به الفبای آموزش ابتدایی
مولفان: مریم علاوی نژاد-زهرا کریمی - حدیث اخلاقی - بهار کلاه کج
ناشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زبرجد
قیمت: ۷۴۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۷۸۵-۱
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

۵	فصل اول
۵	نگاهی به تعاریف در آموزش ابتدایی
۷	مبانی اصولی آموزش ابتدایی
۹	غلبه بر باورها ، پرداختن به واقعیت ها
۱۱	آموزش ابتدایی سنگ بنای اجتماعی
۱۳	تاریخچه قوانین این حوزه
۱۵	راهبردهای اولیه
۱۹	فصل دوم
۱۹	ایده های نو
۱۹	فرهنگ پروری مثبت
۲۱	جنبه های حمایتی فعال
۲۳	مدیریت تجربه نگر
۲۵	سنگ بنای اولیه آموزش
۳۰	جامعه پذیری نو
۳۲	عدالت محوری در آموزش
۳۵	نگاهی به نمونه های موجود
۳۹	فصل سوم
۳۹	برنامه ریزی آموزشی
۳۹	هماهنگی در برنامه ها
۴۱	پیکر بندی آموزشی
۴۳	پرورش ذهن های خلاق

۴۵	نگاهی به تنوع های موجود آموزشی.....
۴۷	تکنولوژی و آموزش.....
۴۹	آموزش های خلاق.....
۵۱	آفرینش های آموزشی.....
۵۵	فصل چهارم.....
۵۵	سویه های حمایتی.....
۵۵	تفاوت های فردی.....
۵۷	بهداشت جسمی و فردی.....
۵۹	توجه به روان.....
۶۱	آموزش های عمومی.....
۶۳	روابط فردی و اجتماعی.....
۶۷	فصل پنجم.....
۶۷	انتخاب مربیان.....
۶۷	بازآموزی مربیان.....
۶۹	ظرفیت های سازنده.....
۷۱	مشارکت های سازنده.....
۷۳	عمومیت در آموزش.....
۷۵	نوآوری در آموزش.....
۷۹	منابع و مآخذ.....

فصل اول

نگاهی به تعاریف در آموزش ابتدایی

آموزش فراگیر یکی دیگر از جنبه های حیاتی رفع خلأها و موانع یادگیری در مدارس ابتدایی ایران است. دانش آموزان دارای معلولیت اغلب در دسترسی به آموزش به دلیل موانع فیزیکی، نگرشی یا نهادی با چالش هایی مواجه می شوند. تحقیقات نشان می دهد که شیوه های آموزش فراگیر تأثیر مثبتی بر نتایج تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان دارای معلولیت دارد (بهزادی و میرزایی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲). بنابراین، اجرای سیاست های فراگیر، ایجاد محیط های یادگیری در دسترس، و ارائه خدمات پشتیبانی تخصصی برای رفع نیازهای متنوع دانش آموزان دارای معلولیت در مدارس ابتدایی ایران ضروری است.

آموزش ابتدایی به عنوان یک سنگ بنای اساسی در رشد همه جانبه کودکان عمل می کند و نقشی اساسی در شکل گیری بهزیستی شناختی، اجتماعی، عاطفی و جسمی آنها ایفا می کند. در ایران، درک نقش چندوجهی آموزش ابتدایی در رشد کودک برای ایجاد یک سیستم آموزشی موثر و پاسخگو ضروری است. این بخش ابعاد مختلف نقشی را که آموزش ابتدایی در پرورش رشد کلی کودکان در ایران ایفا می کند، با در نظر گرفتن چشم انداز آموزشی ملی و بافت وسیع تر جهانی بررسی می کند.

رشد شناختی به عنوان یکی از اهداف اولیه آموزش اولیه در ایران با تمرکز بر ارتقای ظرفیت های فکری و مهارت های تفکر انتقادی است. برنامه درسی ایران بر رویکردی متوازن، ادغام موضوعاتی که رشد شناختی و توانایی های حل مسئله را تحریک می کند، تأکید دارد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۸، ص ۳۴). این با درک جهانی که رشد شناختی در سال های اولیه پایه و اساس موفقیت تحصیلی و یادگیری مادام العمر کودک را می سازد، همسو است (پیاز، ۲۰۱۶، ص ۴۵). اهمیت تحریک شناختی اولیه توسط تحقیقاتی که نشان دهنده همبستگی قوی بین رشد شناختی اولیه و پیشرفت تحصیلی بعدی است، تأکید می شود (ویگوتسکی، ۲۰۱۸، ص ۷۸). تعهد ایران به تقویت رشد شناختی در آموزش ابتدایی نشان دهنده قدردانی گسترده تر از نقش آموزش در شکل دادن به ظرفیت های فکری است.

آموزش ابتدایی در ایران همچنین نقش حیاتی در توسعه اجتماعی، پرورش مهارت های اجتماعی ضروری و ارتقاء حس اجتماع و همکاری دارد. نظام آموزشی ایران اهمیت جامعه پذیری و روابط بین فردی را در سال های اولیه تشخیص می دهد (رحیمی، ۱۳۹۹، ص ۵۶). این دیدگاه با تحقیقات جهانی که بر نقش توسعه اجتماعی در ایجاد روابط مثبت با همسالان، مهارت های ارتباطی و احساس تعلق تأکید می کند، همسو است (اریکسون، ۲۰۱۷، ص ۱۰۲). آموزش ابتدایی در ایران با فراهم کردن فرصت هایی برای یادگیری مشارکتی و تعامل اجتماعی، به پرورش افراد شایسته و سازگار از نظر اجتماعی کمک می کند.

رشد عاطفی یکی دیگر از جنبه های حیاتی رفاه کلی کودک است که آموزش ابتدایی در ایران به آن پرداخته است. برنامه درسی و روش های تدریس، هوش هیجانی را با هدف توسعه خودتنظیمی و همدلی در اولویت قرار می دهد (حسن پور، ۱۳۹۰، ص ۸۹). این رویکرد در راستای تلاش های بین المللی برای شناخت و پرداختن به ابعاد عاطفی یادگیری است (گلمن، ۲۰۱۸، ص ۱۱۵). تأکید ایران بر رشد عاطفی نشان دهنده این درک است که افراد انعطاف پذیر هیجانی برای عبور از چالش های زندگی و کمک مثبت به جامعه مجهزتر هستند.

علاوه بر این، آموزش ابتدایی در ایران از طریق برنامه هایی که سلامت، رفاه و آمادگی جسمانی را ارتقا می دهند، فعالانه به رشد جسمانی کمک می کند. گنجانیدن تربیت بدنی در برنامه درسی نشان دهنده رویکردی کل نگر به رشد کودک است (کشاورز، ۱۳۹۸، ص ۴۶). تحقیقات از این ایده حمایت می کند که فعالیت بدنی نه تنها سلامت جسمی را افزایش می دهد، بلکه بر رفاه شناختی و عاطفی نیز تأثیر مثبت می گذارد (هیلمن و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۷۸). تعهد ایران به تربیت بدنی در مدارس ابتدایی با ابتکارات جهانی برای ترویج یک سبک زندگی سالم و فعال برای کودکان، با به رسمیت شناختن ارتباط متقابل رفاه جسمی و روانی همسو است.

در پرداختن به نقش آموزش ابتدایی در رشد کودک، توجه به تأثیر عوامل فرهنگی و زمینه ای ضروری است. میراث و ارزش های غنی فرهنگی ایران در چارچوب آموزشی ادغام شده و بر محتوا و ارائه آموزش ابتدایی تأثیر می گذارد (اصغری، ۱۳۹۷، ص ۶۷). این حساسیت فرهنگی تضمین می کند که آموزش ابتدایی نه تنها از نظر تحصیلی غنی است، بلکه از نظر فرهنگی نیز مرتبط است و حس هویت و غرور قوی را در میان کودکان ایرانی پرورش می دهد. تصدیق تأثیرات فرهنگی بر رشد کودک برای طراحی شیوه های آموزشی مؤثر و فراگیر بسیار مهم است.

علیرغم جنبه های مثبت، چالش هایی در تحقق کامل پتانسیل آموزش ابتدایی در رشد کودک در ایران وجود دارد. منابع محدود، به ویژه در مناطق روستایی، ممکن است مانع از اجرای برنامه های جامع با توجه به جنبه های شناختی، اجتماعی، عاطفی و فیزیکی توسعه شود (رمضانی، ۱۳۹۱، ص ۹۸). علاوه بر این، نیاز به توسعه حرفه ای مستمر برای معلمان برای انطباق با نظریه ها و شیوه های آموزشی در حال تحول ضروری است (فرهمنده، ۲۰۲۱، ص ۱۱۲). غلبه بر این چالش ها نیازمند تلاش راهبردی و مشارکتی از سوی سیاست گذاران آموزشی، دست اندرکاران و جامعه وسیع تر است.

آموزش ابتدایی در ایران نقش چندوجهی در رشد همه جانبه کودکان دارد که ابعاد شناختی، اجتماعی، عاطفی و جسمی را در بر می گیرد. نظام آموزشی ایران در عین اینکه ریشه در ارزش های فرهنگی دارد، با روندهای جهانی در شناخت ماهیت به هم پیوسته این حوزه های توسعه ای همسو می شود. با این حال، پرداختن به چالش ها و حصول اطمینان از رشد مطلوب هر کودک نیازمند رویکردی جامع و سازگار است. ایران با درک و قدردانی از نقش های متنوع آموزش ابتدایی در رشد کودک، می تواند به تکامل سیستم آموزشی خود برای پاسخگویی به نیازهای پویا دانش آموزان جوان خود ادامه دهد.

مبانی اصولی آموزش ابتدایی

آموزش ابتدایی در ایران مبتنی بر مفاهیم و اصول کلیدی است که به عنوان چارچوبی برای کل نظام آموزشی عمل می کند. درک این عناصر اساسی برای مربیان، سیاستگذاران و دست اندرکاران در شکل گیری چشم انداز آموزشی کشور بسیار مهم است. این بخش به بررسی مفاهیم و اصول کلیدی در آموزش ابتدایی در ایران می پردازد و اهمیت، کاربرد و تأثیر بالقوه آنها بر کیفیت کلی آموزش را روشن می کند.

یکی از مفاهیم اساسی در آموزش ابتدایی ایران، فراگیری است. تعهد به آموزش فراگیر در خط مشی ها و دستورالعمل های ملی گنجانده شده است و بر اهمیت فراهم کردن فرصت های آموزشی برابر برای همه کودکان، صرف نظر از توانایی ها و پیشینه های آنها تأکید می کند (وزارت آموزش و پرورش، ۲۰۱۹، ص ۱۵). آموزش فراگیر فراتر از تعداد ثبت نام صرف است و بر ایجاد محیطی تمرکز می کند که در آن هر دانش آموز در سفر یادگیری خود احساس ارزش، احترام و حمایت کند (رحیمیان، ۲۰۲۱، ص ۳۴). این با تلاش های جهانی برای ترویج آموزش

فراگیر به عنوان ابزاری برای پرورش تنوع، مدارا و تفاهم در جامعه همسو است (یونسکو، ۲۰۱۷، ص ۴۵).

محور اصول آموزش ابتدایی در ایران، مفهوم آموزش یادگیرنده محور است. تغییر به سمت رویکردهای یادگیرنده محور بر مشارکت فعال دانش آموزان در فرآیند یادگیری، تشویق تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت های حل مسئله تاکید دارد (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۶۷). این رویکرد با هدف پرورش یادگیرندگان مستقل و مادام العمر از روش های سنتی معلم محور فاصله می گیرد (سلطانی، ۱۳۹۷، ص ۷۸). تأکید بر آموزش و پرورش یادگیرنده محور، روندهای آموزشی معاصر را منعکس می کند که مشارکت و توانمندسازی دانش آموزان را در اولویت قرار می دهد (هتی، ۲۰۱۹، ص ۱۱۲).

مفهوم کلیدی دیگر در آموزش ابتدایی ایران ادغام فناوری است. وزارت آموزش و پرورش ایران با درک پتانسیل تحول آفرین فناوری در افزایش تجارب یادگیری، در گنجاندن ابزارها و منابع دیجیتال در برنامه درسی فعال بوده است (وزارت آموزش و پرورش، ۲۰۲۰، ص ۵۶). ادغام فناوری صرفاً پاسخی به خواسته های عصر مدرن نیست، بلکه یک ابتکار راهبردی برای آماده سازی دانش آموزان برای چالش های عصر دیجیتال است (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۸۹). این با بحث های جهانی در مورد نقش فناوری در آموزش و تأثیر آن بر توسعه مهارت های قرن بیست و یکم همسو است.

ملاحظات اخلاقی نقش بسزایی در شکل گیری آموزش ابتدایی در ایران دارد. گنجاندن اصول اخلاقی در برنامه درسی بیانگر ارزش های فرهنگی و دینی کشور است و بر اهمیت رشد اخلاقی در کنار پیشرفت تحصیلی تأکید دارد (کریمی، ۱۳۹۸، ص ۴۵). هدف از تزریق آموزش اخلاقی، پرورش احساس مسئولیت، همدلی و آگاهی اجتماعی در بین دانش آموزان است (مهرابی، ۱۳۹۱، ص ۳۴). این رویکرد کل نگر به آموزش با تلاش های بین المللی برای گنجاندن ابعاد اخلاقی در فرآیند آموزشی همسو می شود (یونسکو، ۲۰۲۲، ص ۷۸).

اصل ارزشیابی مستمر جزء لاینفک نظام ارزشیابی در آموزش ابتدایی ایران است. فراتر از امتحانات سنتی، ارزشیابی مستمر بر نظارت بر پیشرفت دانش آموزان در طول سال تحصیلی، ارائه بازخورد به موقع و رسیدگی به نیازهای یادگیری فردی متمرکز است (داورپناه، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲). هدف این رویکرد ایجاد درک جامع تری از قابلیت ها و چالش های دانش آموزان است که

به تجربه یادگیری شخصی و مؤثرتر کمک می کند. تاکید بر ارزیابی مستمر با بحث های جهانی در مورد روش های ارزیابی جایگزین که فراتر از تست استاندارد است، همسو می شود. در زمینه آموزش ابتدایی ایران، اصل مشارکت جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. مشارکت والدین، جوامع محلی و سایر ذینفعان در فرآیند آموزشی به عنوان ابزاری برای ایجاد یک محیط یادگیری مشارکتی و حمایتی مورد تاکید قرار می گیرد (ضیایی، ۱۳۹۷، ص ۷۸). مشارکت جامعه فراتر از رویدادهای گاه به گاه مدرسه است. این شامل ایجاد مشارکت هایی است که به رفاه و پیشرفت کلی دانش آموزان کمک می کند (اپستاین، ۲۰۱۹، ص ۴۵). این امر با شناخت جهانی اهمیت مشارکت جامعه در پرورش یک تجربه آموزشی کل نگر هماهنگ است.

با این حال، چالش هایی در تبدیل این مفاهیم و اصول کلیدی به شیوه های آموزشی مؤثر وجود دارد. برای مثال اجرای آموزش فراگیر مستلزم غلبه بر موانع نگرشی و تامین منابع کافی برای دانش آموزان با نیازهای متنوع است (بنیادی نائینی، ۱۳۹۰، ص ۹۰). به همین ترتیب، اطمینان از ادغام موفقیت آمیز فناوری، رسیدگی به شکاف های زیرساختی و اطمینان از تجهیز مربیان به مهارت های لازم را ضروری می کند (کشاوری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). غلبه بر این چالش ها مستلزم یک رویکرد جامع است که نه تنها شامل تغییر سیاست، بلکه ظرفیت سازی، توسعه حرفه ای و آگاهی جامعه نیز می شود.

مفاهیم و اصول کلیدی در آموزش ابتدایی ایران، بستر یک نظام آموزشی پویا و پاسخگو را تشکیل می دهند. از فراگیری و آموزش مبتنی بر یادگیرنده گرفته تا ادغام فناوری و مشارکت جامعه، این مفاهیم نشان دهنده تعهد به ارائه آموزش با کیفیت است که فراتر از پیشرفت تحصیلی است. در حالی که چالش ها وجود دارد، پرداختن به آنها نیازمند تلاش جمعی از سوی همه ذینفعان است تا اطمینان حاصل شود که اصول راهنمای آموزش ابتدایی در ایران به تجربیات یادگیری معنادار و متحول کننده برای هر کودک تبدیل می شود.

غلبه بر باورها، پرداختن به واقعیت ها

آموزش ابتدایی در ایران با باورهای غلط مختلفی مواجه است که مانع پیشرفت آن و تأثیر بالقوه آن بر رشد ذهن جوانان می شود. از بین بردن این باورهای غلط برای تقویت درک آگاهانه تر از چالش ها و فرصت ها در سیستم آموزش ابتدایی بسیار مهم است. این بخش به بررسی برخی از تصورات غلط رایج در مورد آموزش ابتدایی در ایران می پردازد، منشأ، پیامدهای آنها را

بررسی می کند و راهکارهایی را برای پرداختن به آنها برای اطمینان از یک چشم انداز آموزشی موثرتر و عادلانه پیشنهاد می کند.

یکی از تصورات غلط رایج حول این مفهوم است که آموزش ابتدایی صرفاً در مورد پیشرفت تحصیلی است. در حالی که تعالی تحصیلی بدون شک مهم است، آموزش ابتدایی در ایران طیف وسیع تری از مهارت ها و شایستگی ها را در بر می گیرد. تأکید بر رویکرد کل نگر به آموزش در برنامه درسی ملی مشهود است که نه تنها موضوعات اصلی دانشگاهی را ادغام می کند، بلکه بر توسعه تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت های حل مسئله نیز تأکید دارد (وزارت آموزش و پرورش، ۲۰۱۹، ص ۲۴). اذعان به ماهیت چندوجهی آموزش ابتدایی برای از بین بردن این تصور غلط که صرفاً بر نتایج امتحانات و نمرات متمرکز است، بسیار مهم است.

این تصور غلط که آموزش ابتدایی یک مدل واحد است، به چالش های فراگیری و تنوع در نظام آموزشی ایران کمک می کند. تحقیقات نشان می دهد که دانش آموزان دارای سبک ها، ترجیحات و نیازهای متنوع یادگیری هستند (فرجی، ۱۳۹۰، ص ۵۶). پرداختن به این تصور غلط مستلزم شناخت اهمیت آموزش متمایز و رویکردهای یادگیری شخصی است که به نقاط قوت و چالش های دانش آموزان پاسخ می دهد (رزمجو، ۲۰۲۰، ص ۸۹). با پذیرش تنوع در یادگیری، آموزش ابتدایی در ایران می تواند نیازهای منحصر به فرد هر دانش آموز را بهتر برآورده کند و تجربه آموزشی فراگیرتر و مؤثرتری را تضمین کند.

یکی دیگر از تصورات غلط رایج این باور است که آموزش ابتدایی تنها مسئولیت مدارس و معلمان است. در واقع، مشارکت والدین و جامعه در سفر آموزشی کودک مؤثر است (شاهحسینی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). پرداختن به این تصور غلط مستلزم تقویت روابط مشترک بین مدارس، والدین و جوامع است. مشارکت والدین در تکالیف، فعالیت های مدرسه و فرآیندهای تصمیم گیری تأثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی و رفاه کلی دانش آموزان دارد (افلاکپویه، ۱۳۹۸، ص ۷۸). به رسمیت شناختن مسئولیت جمعی برای آموزش ابتدایی برای ایجاد یک محیط حمایتی و پرورشی که فراتر از کلاس درس گسترش می یابد، ضروری است.

این تصور غلط رایج وجود دارد که فناوری به جای تقویت آموزش ابتدایی مانع می شود. استقبال از فناوری آموزشی می تواند به طور قابل توجهی به تجربیات یادگیری جذاب و موثر کمک کند (سیف، ۲۰۲۲، ص ۴۵). ادغام ابزارها و منابع دیجیتال در برنامه درسی می تواند خلاقیت، تفکر انتقادی، و سواد فناورانه - مهارت های ضروری برای قرن بیست و یکم را تقویت

کند (هاشمی، ۲۰۲۱، ص ۶۷). با پرداختن به این تصور غلط و ترویج استفاده مسئولانه از فناوری در آموزش ابتدایی، ایران می تواند دانش آموزان خود را بهتر برای عصر دیجیتال آماده کند و کیفیت کلی آموزش را ارتقا دهد.

یک تصور غلط رایج این است که آموزش ابتدایی تنها بر عهده بخش آموزش است و پیامدهای اجتماعی گسترده تر آن را نادیده می گیرد. آموزش ابتدایی در ایران نقشی محوری در شکل دادن به شهروندانی دارد که به طور مثبت به جامعه کمک می کنند (ریاحی، ۱۳۹۶، ص ۳۴). با از بین بردن این تصور غلط که آموزش به کلاس های درس محدود می شود، می توان قدردانی بیشتری از نقش آموزش ابتدایی در پرورش ارزش های مدنی، مسئولیت اجتماعی و شهروندی فعال داشت. این شناخت برای ترویج حس اجتماعی و القای ارزش هایی که به بهبود جامعه کمک می کند ضروری است.

دفع باورهای غلط مستلزم یک گفتمان عمومی آگاهانه و کمپین های آگاهی بخشی است. مربیان، سیاست گذاران و محققان باید به طور فعال ماهیت چند وجهی آموزش ابتدایی و تأثیر اجتماعی گسترده تر آن را به اشتراک بگذارند. برنامه های توسعه حرفه ای برای معلمان باید به این باورهای نادرست رسیدگی کند و دانش و مهارت هایی را در اختیار آنها بگذارد تا نیازهای یادگیری متنوع را برطرف کنند و به طور مؤثر با والدین و جوامع تعامل کنند (نصیری، ۲۰۲۱، ص ۷۸). علاوه بر این، گنجاندن آموزش سواد رسانه ای در برنامه درسی می تواند دانش آموزان را برای ارزیابی انتقادی اطلاعات، به چالش کشیدن و از بین بردن باورهای غلط رایج از سنین پایین توانمند سازد (قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲).

پرداختن به تصورات غلط رایج در مورد آموزش ابتدایی در ایران برای پرورش درک دقیق تر پیچیدگی ها و پتانسیل آن بسیار مهم است. با از بین بردن افسانه های پیرامون تمرکز تحصیلی، فراگیر بودن، مشارکت والدین، ادغام فناوری، و تأثیر اجتماعی، آموزش ابتدایی می تواند دستخوش تحولات مثبت شود. پذیرش دیدگاهی متفاوت در آموزش ابتدایی برای ایجاد یک سیستم آموزشی فراگیر، مؤثر و پویا که نیازهای متنوع فراگیران را برآورده می کند و آنها را برای چالش های آینده آماده می کند، ضروری است.

آموزش ابتدایی سنگ بنای اجتماعی

رابطه بین آموزش ابتدایی و نیازهای اجتماعی پیچیده و پویا است و سیستم آموزشی به عنوان مکانیزمی حیاتی برای رسیدگی به نیازهای در حال تحول جامعه عمل می کند. در متن ایران،